

همزمان با پیشروی در استان تعز، پاسخ دفاعی ارتش یمن به حملات هوایی عربستان به تأسیسات آرامکو در ریاض رسید

دستان بلند مقاومت

گزارش

حملات موشکی روز گذشته یمن به پایتخت عربستان منجر به بروز آتش سوزی در تأسیسات آرامکو و فرودگاه بین المللی این شهر شد. یمن حملات موشکی و پهپادی گسترده‌ای علیه زیرساخت‌های انرژی و اهداف راهبردی در عربستان سعودی انجام داد. این حملات با هدف قرار دادن مخازن شرکت آرامکو و برخی اهداف دیگر در ریاض و شهر ساحلی یمنع صورت گرفت. این حملات در حالی انجام شد که تنش‌ها میان عربستان و ارتش یمن در روزهای اخیر تشدید شده است.

برپایه گزارش‌های دریافتی، نیروهای مسلح یمن با استفاده از موشک‌های بالستیک، موشک‌های کروژ و پهپاد، چندین هدف را در خاک عربستان سعودی مورد حمله قرار دادند. براساس اعلام منابع عربی، یکی از اهداف اصلی این حملات، مخازن شرکت ملی نفت عربستان (آرامکو) در ریاض بوده است. تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهند که آتش‌سوزی گسترده‌ای در ریاض رخ داده است. همچنین گزارش‌ها حاکی از آن است که فرودگاه بین‌المللی ملک خالد در ریاض نیز به دلیل این حملات با اختلال شدید در فعالیت پروازی مواجه شده و پروازها با تأخیر یا لغو گسترده روبه‌رو شده‌اند.

این در حالی است که از شامگاه پنجشنبه تا بامداد جمعه، عربستان حملات هوایی را به مناطق مسکونی در صنعا، پایتخت یمن، انجام داده بود. در استان صنعه نیز جنگنده‌های سعودی طی کمتر از دو ساعت، ۱۱ حمله هوایی به مناطق مختلف از جمله شبکه ارتباطات انجام دادند. پس از آن نیز سه حمله به شهرستان سحار و حمله موشکی به شهرستان حیدان صورت گرفت. در شهرستان مران، حمله یک پهپاد به زخمی شدن دو شهروند یمنی منجر شد. همچنین شهرستان‌های مرزی شدا و غمر زیر آتش شدید تپوخانه قرار گرفتند.

در استان تعز نیز جنگنده‌های سعودی در دو نوبت ساختمان‌ی را در شهر البرح، واقع در شهرستان مقببه، منطقه الکدحه در شهرستان المعافر نیز هدف حمله هوایی قرار دادند. همچنین چهار حمله هوایی مناطق الاثاور و الاحکوم در شهرستان حیفاں را هدف قرار داده و شبکه ارتباطات در منطقه الاغروق نیز دو بار بمباران شد. شهرستان جبل حبشی نیز شاهد ۶ حمله هوایی بود.

پیشروی در تعز

همزمان با این درگیری‌ها، نیروهای مقاومت در حال پیشروی در استان تعز هستند. به گزارش العیادین، دستاوردهای میدانی انصارالله همزمان با انتشار

فارن افزر تحلیل کرد؛ چرا ایران با بازطراحی سیاست منطقه‌ای و دفاعی خود تهاجمی‌تر رفتار می‌کند؟

راهبرد جدید تهران برای تسلیم آمریکا در منطقه



کشور است. از این رو، ایران موضعی تازه و تهاجمی‌تر اتخاذ کرده است.

ایران به حملات پیشدستانه نیزروی آورده است. برای مثال، در ماه ژوئیه، به پایگاه‌هایی در اردن که نیروهای ارتش آمریکا از آنها استفاده می‌کردند حمله کرد که این پایگاه‌ها محل آماده‌سازی حملات علیه ایران بوده‌اند. در جریان این حمله، سه سرباز آمریکایی کشته شدند. رویکرد جدید ایران صرفاً با هدف بازآزادنگی روانی واشنگتن طراحی نشده است. این رویکرد همچنین با هدف تضعیف نظام‌مند زیرساخت‌های نظامی و اطلاعاتی آمریکا در خاورمیانه دنبال می‌شود. از این منظر، ایران در حال ایجاد نسخه‌ای از راهبرد «چمن‌زنی» اسرائیل است؛ راهبردی که در آن، میان دوره‌های اصلی درگیری، حملات محدود و تکرارشونده‌ای انجام می‌شود تا به تدریج توانمندی‌های طرف مقابل تضعیف شود. ایران با این اقدامات امیدوار است توانایی ایالات متحده برای حفاظت از متحدان و نیروهای خود در برابر حملات آینده ایران را کاهش دهد و در نتیجه، واشنگتن تمایل کمتری برای باقی ماندن در منطقه داشته باشد.

بهرگیری از برتری

به گذشته، برخی از مقامات ایران بر این باور بودند که ممکن است بتوان با آمریکا به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز رسید. اما اکنون تقریباً هیچ‌کس در میان مقام‌های حکومت چنین اعتقادی ندارد. در عوض، تهران به این نتیجه رسیده است که آمریکا هرگز شریکی قابل اعتماد و صادی در مذاکرات نخواهد بود. به هر حال، از نگاه تهران، کارنامه واشنگتن با خیانت‌های مکرر در برابر متحدان و دشمنان، به‌ویژه اسرائیل و ایران نیز در داخل آمریکا به‌شدت نامحبوب بوده است. اما پس از برگزاری این

بین شیوخ قبایل وفادار به صنعا و دیگران در حومه جنوبی تعز حاصل شد که منجر به تثبیت چندین منطقه گردید. این منابع اظهار کردند که درگیری‌ها از جبهه‌های جنوبی- در بحبوحه پیشرفت‌های قابل توجه ارتش یمن- به جبهه‌های شرقی و غربی شهر تعز گسترش یافته است که نشان می‌دهد نبرد به پایان خود نزدیک شده است، به‌ویژه با محاصره ده‌های گروه‌های تحت حمایت عربستان سعودی در شهر و برخی از حومه‌های غربی آن. به موازات آن، رسانه‌های سعودی گزارش دادند که چندین سایت نفتی استراتژیک در استان شرقی، از جمله تأسیسات خریص، بقیق، جبیل، مجتمع غوار و مجتمع گازی میدان عین دار، مورد حملات موشکی قدرتمندی قرار گرفته‌اند. در بحبوحه سکوت عربستان سعودی در مورد این حملات، تصاویر ماهواره اروپایی EUMETSAT آتش‌سوزی‌ها و ستون‌های عظیم دود را که از میدان غول‌پیکر غوار، برجسته‌ترین میدان نفتی در بقیق، بلند می‌شد، نشان داد. گزارش‌های رسانه‌های یمنی حاکی از آن بود که عین دار، یکی از چهار سایت کلیدی این میدان، هدف حمله هوایی قرار گرفته است. غوار در حال حاضر بین ۳۰۸ تا ۳۰۹ میلیون بشکه نفت خام در روز تولید می‌کند که تقریباً نیمی از تولید خالص روزانه نفت عربستان سعودی را تشکیل می‌دهد که به طور متوسط تقریباً ۸.۲۴ میلیون بشکه در ماه اوت بود. اگرچه صنعا مسئولیت این حمله را بر عهده نگرفته است،



پیشروی انصارالله از جبهه‌های جنوبی به جبهه‌های غربی و شمالی منتقل شد، زیرا انصارالله کنترل تقریباً ۹۰ درصد از جبهه‌های روستایی جنوب را تکمیل کردند و مسیرهای اصلی تدارکاتی متصل به

استان‌های تعز و عدن و همچنین شهرهای التربه و تعز را در اختیار گرفتند. این امر عملاً مواضع گروه‌های تحت حمایت عربستان سعودی را منزوی کرد

اما منابع آنجا به الاخبار تأیید کردند که اقدامات علیه عربستان سعودی پاسخ مستقیمی به حملات عربستان به زیرساخت‌های یمن است.

اهمیت راهبردی تعز

استان تعز به دلیل موقعیت جغرافیایی خود که مناطق مرتفع کوهستانی را به ساحل غربی متصل می‌کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نزدیکی این استان به المخا و مسیرهای کشتیرانی بین‌المللی در جنوب دریای سرخ و باب‌المندب نیز بر اهمیت آن افزوده است. از این منظر، درگیری‌ها در غرب استان را نمی‌توان از تحولات نظامی در امتداد ساحل جدا دانست، زیرا کنترل ارتفاعات مشرف بر جاده‌ها و مناطق ساحلی، برتری میدانی در زمینه نظارت، جابه‌جایی و تأمین نیرو و تجهیزات ایجاد می‌کند.

همچنین مسأله مسیرهای تدارکاتی یکی از مهم‌ترین ابعاد تشدید درگیری‌هاست؛ به‌ویژه مسیرهای جنوبی که تعز را به استان‌های لحج و عدن متصل می‌کنند که مهم‌ترین آت‌ها جاده هیجه‌العبد و مسیرهای امتدادیافته به سمت طورالباحه است. تهدید این مسیرها به معنای محدود شدن گزینه‌های جابه‌جایی و تدارکاتی است؛ آن‌هم در شرایطی که این استان همچنان با پیامدهای محاصره‌ای که سال‌ها ادامه داشته، مواجه است.

موضوع تنها به بعد جغرافیایی محدود نمی‌شود، زیرا گشوده شدن همزمان چندین جبهه، نیروها را وادار می‌کند توان دفاعی و نظامی خود را در چند محور توزیع کنند. این وضعیت، مهار حملات در مناطق مختلف و دور از یکدیگر را به چالشی میدانی و لجستیکی تبدیل می‌کند.

در همین رابطه علی الذذهب، کارشناس نظامی و راهبردی یمنی، به الجزیره می‌گوید استان تعز در معادلات مناقشه از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. به گزارش الجزیره او سه بُعد اصلی را برمی‌شمارد که تعز را به هدفی محوری و حیاتی تبدیل کرده است:

تأمین امنیت ساحل غربی و جبران کمبود نیروی انسانی؛ کنترل فلات‌ها و ارتفاعات راهبردی تعز، روشی مهم برای تأمین امنیت ساحل غربی و نوار ساحلی المخا محسوب می‌شود. دلیل این امر آن است که نیروی انسانی کافی برای استقرار میدانی در سراسر نوار ساحلی وجود ندارد و در نتیجه، کنترل آتش از ارتفاعات می‌تواند این کمبود را جبران کند.

مانع‌ای راهبردی در مسیر گسترش به سمت جنوب؛ تعز یک گره اصلی در مسیر تکمیل کنترل بر استان‌های جنوبی است. از همین رو، طرف‌های درگیر ممکن است برای پیشروی در میدان، تلاش کنند این استان را به کنترل خود درآورند یا محاصره و تسدوم آن، گزینه‌ای پیشروی به سمت جنوب را برای خود هموار کنند.

ا-تأمین اقتصادی و ژئوپلیتیکی؛ استان تعز از جایگاه اقتصادی و صنعتی قابل توجهی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که شماری از بزرگ‌ترین گروه‌های تجاری و شرکت‌های صنعتی در این استان فعالیت دارند و تعز همچنین محل حضور بسیاری از چهره‌ها و رهبران سیاسی است.

بین‌الملل

بدون روتوش

محمد محسن قافیعی

کارشناس مسائل فلسطین

۱۷ اکتبر و بازتعریف جایگاه انصارالله

در معادلات داخلی یمن

یک کاربر یمنی در توئیبتی نوشته: «به نظر می‌رسد انصارالله دارد ثمره ایستادگی‌اش در کنار غزه را می‌چیند و همان‌گونه که او بار غزه شد، خداوند هم او را بر ما بیاری می‌دهد، چون ما در نیت‌هایش تردید کردیم و با کسانی هم‌پیمان شدیم که به غزه خیانت کردند. برای این پیشرفت انصارالله هیچ توضیحی نیست جز اینکه او مورد تأیید الهی است. با وجود ضرباتی که می‌خورد، همچنان همه را غافلگیر می‌کند.» صحبت‌های این شخص جنوب یمنی که مشخص است از طرفداران انصارالله هم نیست، اگرچه برداشت شخصی او از تحولات و پیشروی‌های صنعا در جنوب است اما یک لایه پنهان دیگری دارد و آن مصداقی از افزایش مشروعیت انصارالله و به‌طور کلی دولت صنعا در میان قبایل و گروه‌های یمنی غیر از انصارالله به‌واسطه کنشگری آنها پس از ۱۷ اکتبر در دوران طوفان الاقصی است. از زمان آغاز جنگ غزه، ورود انصارالله به رویارویی مستقیم با اسرائیل، معادلات سیاسی و اجتماعی یمن را نیز تحت تأثیر قرار داده. انصارالله با اعلام حمایت از عملیات «طوفان الاقصی»، حملات موشکی و پهپادی علیه اسرائیل و سپس هدف قرار دادن کشتی‌های مرتبط با اسرائیل در دریای سرخ، نشان داد که خود را نه صرفاً به‌عنوان یکی از طرف‌های جنگ داخلی یمن، بلکه به‌عنوان بازیگری در «محور مقاومت» و مدافع فلسطین و غزه می‌شناسد؛ این رویکرد در داخل یمن نیز بازتاب قابل توجهی داشته است. اهمیت این تحول زمانی بیشتر روشن می‌شود که واکنش‌ها در مناطق خارج از کنترل دولت عدن را نیز در نظر بگیریم. یک نظرسنجی مرکز مستقل مطالعات صنعا در فوریه و مارس ۲۰۲۴، نشان می‌دهد ۲۸ درصد ساکنین مناطق تحت کنترل دولت عدن (مخالفان انصارالله)، حمایت یمنی‌ها در دریای سرخ را مثبت ارزیابی می‌کردند؛ ۵۵ درصد به واسطه اقدامات انصارالله احساس افتخار داشتند و ۲۵ درصد هم احساس متناقض را درگزینه‌ها انتخاب کرده‌اند؛ یعنی به نوعی ضمن آنکه اقدامات انصارالله در حمایت از غزه را مایه افتخار می‌دانستند اما سایه مخالفت و دشمنی‌ها مانع انتخاب گزینه اول یعنی ارتباط با عربستان و انصارالله شده. مهم‌تر اینکه در حضورموت، استانی تحت کنترل دولت و نیروهای محلی و نزدیک به سعودی، ۶۰ درصد پاسخ‌دهندگان احساس «افتخار» نسبت به عملیات یمنی‌ها داشتند. انصارالله توانسته از جنگ غزه سرمایه نمادین و سیاسی قابل توجهی کسب کند، البته این سرمایه الزاماً به معنای پذیرش کامل حاکمیت آنان از سوی قبایل و جوامع جنوب نیست. در جنوب یمن، مطالبات محلی، رقابت با شورای انتقالی جنوب، مسائل اقتصادی و رابطه با عربستان و انصارالله نقش تعیین‌کننده‌ای دارند، اما تحولات اخیر نشان داده که افزایش مشروعیت انصارالله در مقابل همراهی امارات و سعودی در تحولات اخیر همسو با محور نتانیاهو- ترامپ روی دیگر موضوعات و شکاف‌ها تأثیرگذار بوده است؛ باید دید این مشروعیت واحساس بهتر به واسطه اقدامات انصارالله و دولت صنعا در حمایت از غزه تا چه میزان بر تحولات تأثیرگذار خواهد بود؟

به ترامپ و نتانیاهو هدیه ندهیم

یادداشت

محمدابراهیم ترقی‌نژاد

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

حضور رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و تحرکات دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران در نیویورک، به زمینه‌ای برای تسلیح حملات و تخریب‌های برخی جریانات علیه دولت تبدیل شده است. از توهین به رئیس‌جمهوری در تریبون‌های مختلف تا تهدید وزیر امور خارجه به استیضاح، مجموعه‌ای از مواضع و اظهارات شکل گرفته که پیش از آنکه ناظر بر نقد کارشناسی سیاست خارجی باشد، رنگ و بوی تقابل سیاسی با دولت چهاردهم دارد.

این تحرکات در شرایطی صورت می‌گیرد که رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه، به‌ترتیب رئیس و عضو شورای عالی امنیت ملی هستند؛ نهادی که مسئولیت بررسی و هماهنگی سیاست‌های کلان امنیتی و راهبردی کشور را برعهده دارد. بنابراین، نمی‌توان تصمیم‌ها و مواضع رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه در عرصه سیاست خارجی را مستقل از ساختارهای تصمیم‌گیری و ملاحظات امنیت ملی کشور ارزیابی کرد. بدیهی است که در چنین سطحی از مسئولیت، هیچ اقدام راهبردی را نمی‌توان صرفاً به اراده شخصی یک مقام اجرایی تقلیل داد

در شرایطی که وزیر امور خارجه در کشور اکنون به‌جای پذیرش رقابت در چارچوب‌های قانونی و نقد مستدل عملکرد دولت، به تقابل مستمر با آن روی آورده است؟ اختلاف نظر سیاسی، حقی طبیعی و لازمه پویایی هر نظام سیاسی است؛ اما هنگامی که این اختلاف‌نظرها به تخریب مستمر مسئولان و زیر سؤال بردن هرگونه ابتکار دیپلماتیک تبدیل می‌شود، باید درباره هزینه‌های آن برای کشور تأمل کرد.

دیپلماسی، به‌ویژه در شرایطی که کشور با تهدیدهای نظامی، فشارهای اقتصادی و تنش‌های منطقه‌ای مواجه است، صرفاً مجموعه‌ای از دیدارها و گفت‌وگوهای تشریفاتی نیست؛ بلکه ابزاری برای مدیریت بحران، کاهش هزینه‌های تقابل

و تأمین منافع ملی است. طبیعی است

که مذاکره‌کنندگان برای پیشبرد مأموریت خود به پشتوانه سیاسی و حمایت ساختارهای تصمیم‌گیر کشور نیاز دارند. هنگامی که وزیر امور خارجه در داخل کشور با موجی از حملات، اتهام‌زنی‌ها و تهدیدهای سیاسی مواجه می‌شود، این پیام به طرف‌های خارجی منتقل خواهد شد که دولت ایران برای پیشبرد مسیر دیپلماتیک خود با محدودیت‌ها و فشارهای داخلی روبه‌رو است. تجربه تعاملات دیپلماتیک نشان می‌دهد که انسجام درونی و ثبات مواضع رسمی، از مؤلفه‌های اثرگذار در اعتبار و قدرت چانه‌زنی کشورهاست.

از این منظر، حمله به تیم دیپلماسی صرفاً یک منازعه میان دولت و مخالفان سیاسی آن نیست؛ پیامدهای چنین رویکردی می‌تواند فراتر از رقابت‌های داخلی و مستقیماً متوجه قدرت چانه‌زنی ایران در برابر آمریکا و مقابله با تهدیدهای رژیم صهیونیستی باشد. وقتی مذاکره‌کننده ایرانی همزمان باید در برابر طرف خارجی از مواضع کشور دفاع کند و در داخل نیز پاسخگوی موجی از اتهامات و فشارهای سیاسی باشد، بخشی از ظرفیت و تمرکز دستگاه دیپلماسی ناگزیر صرف مدیریت حاشیه‌ها خواهد شد.

البته حمایت از دولت به معنای چشم‌پوشی از خطاها یا تعطیل کردن نظارت مجلس و نقد کارشناسی نیست. مجلس حق دارد عملکرد وزیر امور خارجه را بررسی کند و هر ابتکار دیپلماتیک نیز باید در معرض ارزیابی دقیق و شفاف قرار گیرد. اما مرز میان نظارت مسئولانه و تخریب سیاسی را باید به توج به مستندات، رعایت مصالح عمومی و پرهیز از تصفیه‌های رسمی تصمیم‌گیری جست‌وجو کرد.

امروز، بیش از هر زمان دیگری، سیاست خارجی کشور به انسجام درونی و هماهنگی میان ارکان حاکمیت نیاز دارد. اختلاف‌نظرها باید در مجاری رسمی و با هدف اصلاح تصمیم‌ها دنبال شوند، نه آنکه به ابزاری برای فرسایش اعتماد عمومی و تضعیف موقعیت دیپلماتیک کشور تبدیل شوند. پرسش نهایی این است که در شرایط حساس کنونی، حاصل این حجم از تخریب برای منافع ملی چیست و چه کسی از تضعیف انسجام داخلی ایران سود می‌برد؟ پاسخ به این پرسش، می‌تواند معیاری برای سنجش مسئولیت‌پذیری سیاسی همه جریان‌ها در قبال منافع کشور باشد.

منبع: ForeignAffairs